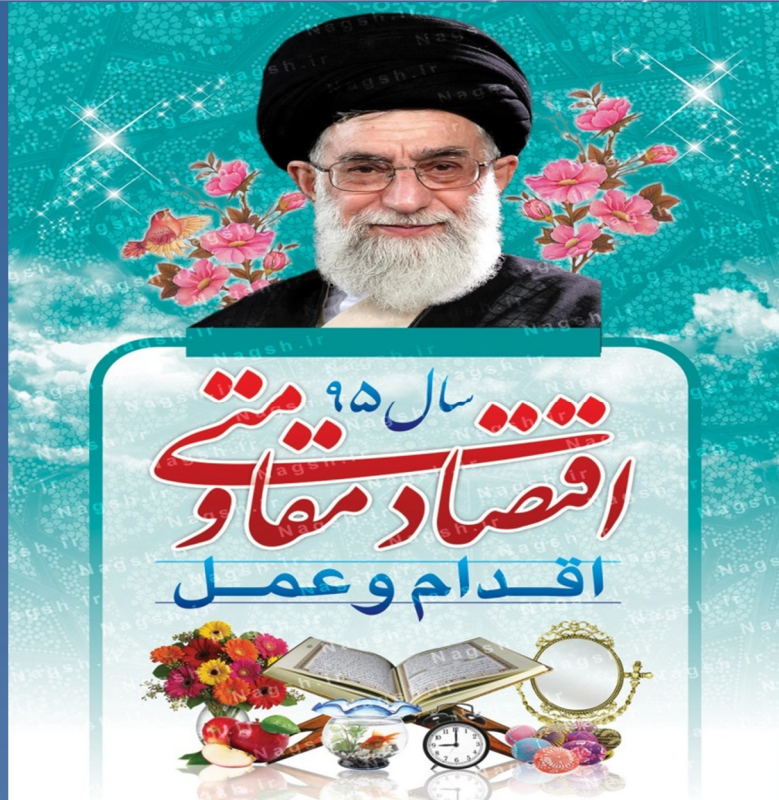




گاهنامه ی سیاسی ، فرهنگی ، اجتماعی
شماره ۲ - ماه فروردین - سال ۱۳۹۵



مثلت خیالی

بررسی شبهه موسوم به دور ، در مورد سه رکن جمهوری اسلامی

اسلام ۵۰ ساله

خبرهایی از پشت دیوار دولت

نقد دولت وقت

چرا ولایت فقیه؟!





اسلام ۵۰ ساله

حمید رضا میری

خدا برای انسان خلق کرده و باید از آن بهره و استفاده کرد ولی نباید دل به آن ها بست و مجذوب آن ها شد. اگر انسان دل به آن ها نبندد و وقتی که لازم باشد دست از آنها بردارد، هیچ وقت جامعه اسلامی دچار حالت دوران امام حسین (ع) نخواهد شد و تا ابد بیمه خواهد بود.

به معنای دیگر، اگر تعداد این عده از خواص که دل به دنیا بسته اند کم و تعداد خواص متقی بیشتر باشد؛ و اگر این خواص متقی در زمان خودش کاری را که لازم است، تشخیص و انجام دادند؛ مطمئناً جامعه اسلامی نجات پیدا خواهد کرد و «حسن بن علی ها» به «کربلا ها» کشانده نخواهند شد. ولی اگر خواص بد فهمیدند، دیر فهمیدند یا فهمیدند ولی در موضوع با هم اختلاف کردند، واضح است که باردیگر در تاریخ، «کربلاها» تکرار خواهد شد!

باطل. اگر به صدر اسلام برویم یک عده اصحاب امیر المومنین و امام حسین و بنی هاشمند و گروهی هم اصحاب معاویه اند که در بین اصحاب معاویه نیز خواص وجود داشته اما خواص باطل و غلط بوده اند.

حال ما باید به این قضیه نگاه کنیم و خود را در نظر بگیریم که کجا قرار داریم؟ جز عوامیم یا جز خواص و اگر جز خواص هستیم، خواص باطل یا خواص حق؟ اگر جز عوام هستیم که فی الفور خود را از آن گروه خارج کنیم و سعی کنیم که قدرت تحلیل پیدا کنیم، تشخیص بدهیم و معرفت و بصیرت پیدا کنیم، آنجانی که قرآن درباره پیغمبر می فرماید: «ادعوا الی الله علی بصیره انا و من اتبعنی».

اگر خود را جزو خواص حق و حقیقت می دانیم باید دقت کنیم که خواص حق نیز خود به دو دسته تقسیم می شوند؛ کسانی که در مقابل با دنیا، زندگی، مقام، شهوت و پول موفقند و دسته ای که دل به این ها می بندند و موفق نمی شوند. «متاع الحیاه الدنیا» معنایش این نیست که این متاع بد است بلکه

مبارک جگر گوشه‌ی پیغمبر را جلوی خود گذاشته و با چوب خیزران به لب و دندان او زدند که «لیت اشیا فی بیدر شهودا جزع الخرج من وقع الاسل». چرا امت اسلامی که آن قدر نسبت به جزئیات احکام اسلامی و آیات قرآنی دقت داشت، در این چنین قضیه واضحی دچار سهل انگاری و سستی شد؟! این مساله انسان را نگران می کند که ما چگونه و چه راهبردی داشته باشیم که به سیاهی و تاریکی که آن ها دچار شدند، دچار نشویم؟! بطورکلی افراد هر جامعه را به دو دسته عوام و خواص می توان تقسیم نمود. عوام به کسانی گفته می شود که دنبال صحیح بودن راه نیستند یا به عبارتی وقتی ببینند که جو با یک سمت بیشتر است به دنبال همان جو می روند ولی خواص بر عکس عوام می باشند و کسانی هستند که از روی فهمیدگی و آگاهی و بینش کاری را انجام می دهند و لزوماً تحصیل کرده و با سواد نیستند.

خواص جامعه دو دسته می باشد: خواص جبهه حق و خواص جبهه

درباره ی رویداد عاشورا بسیار گفته و نوشته اند. البته که زمینه برای گفتن و نوشتن پیرامون این رخداد عظیم بسیار است، چرا که این رویداد از چنان ابعادی برخوردار است که هر چه بیشتر بررسی و تحلیل شود زوایای جدید و تازه تری آشکار می شود.

واقعۀ عاشورا را می توان از دو بعد بحث و بررسی کرد؛ بعد نظری و بعد تاریخی. در این مطلب به بعد تاریخی عاشورا از دیدگاه مقام رهبری پرداخته می شود.

اتفاقی که در صدر اسلام افتاده است این است که چرا پنجاه سال بعد از وفات پیغمبر(ص)، کار مملکت اسلامی به جایی رسیده باشد که همین مردم مسلمان؛ از وزیر و امیر و سردار و سایر درباریان؛ در کوفه و کربلا جمع شوند و جگر گوشه ی پیغمبر را، با آن وضع فجیع به خاک و خون بکشند؟! در آن زمان کار به جایی رسیده بود که پسر و نوه کسانی که در جنگ بدر، بدست امیر المومنین و حمزه و یقیه سرداران اسلام، به درک رفته بودند؛ جای پیغمبر را گرفتند و سر

۱- کشته‌های ما در جنگ بدر بلند شوند و ببینند که با کشته‌هایشان چه کردیم
۲- من و پیروانم با بصیرت عمل می کنیم و دعوت می کنیم و پیش می رویم.

فهرست مطالب

- ۱ اسلام ۵۰ ساله
- ۲ حزب، ملت، مجلس
- ۴ شبهه دور
- ۶ برابری یا نابرابری...
- ۶ کلام دوست
- ۷ چرا ولایت فقیه؟!
- ۸ سالی که گذشت
- ۱۰ هنری به رنگ انقلاب
- ۱۱ زیر نور اورانیوم

گاهنامه ی سیاسی ، فرهنگی ، اجتماعی « من ، دیپلمات نیستم »

شماره ۲

ماه فروردین - سال ۱۳۹۵

صاحب امتیاز : بسیج دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی مشهد

شماره مجوز : ۴۷۵/ک/ش ۹۴/۱۰/۱۲

مدیر مسئول : محمد صادق ابراهیم زاده

شورای سردبیری : محمد ابویسانی ، زهرا مجیدی ، زهره مقبلی

طراح : سید امیر حسین قاسمی

آدرس پست الکترونیک نشریه: Man.diplomat.nistam@gmail.com

تلفن دفتر نشریه : ۳۸۸۴۳۱۰۹

کانال رسمی اخبار نشریه : [telegram.me/not_diplomat](https://t.me/not_diplomat)

آدرس دفتر نشریه: مشهد، میدان آزادی، پردیس دانشگاه علوم پزشکی

مجاور دانشکده پزشکی، دفتر بسیج دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی مشهد

محمد ابویسانی

حزب، ملت، مجلس

سر مقاله

بسمه تعالی

« اینجانب وظیفه خود می دانم که از این لیبیک عمومی به فراخوان نظام اسلامی سپاسگزاری کنم و پاداش و هدایت الهی برای مردمی که این جمعه ی پرکار و پرشکوه را آفریدند، مسألت نمایم »

شاید اغراق نباشد اگر بگوییم از آغاز سال ۹۴ فعالیت تمامی جناح های سیاسی کشور معطوف به رخداد مهم انتخابات شده بود. البته که برنامه ریزی گروه های مختلف سیاسی کشور برای پررنگ تر دیده شدن در انتخابات از مدت ها پیش از آن شروع شده بود اما اقدامات تبلیغاتی جناح ها - البته نه بطور مستقیم - در برنامه هایی که از سوی آنان؛ از آغاز سال جاری؛ اجرایی می شد، کاملاً مشهود بود. جناح هایی سیاسی با دیدگاه های مختلف و دراکثر موارد متضاد که به اشتباه خود را حزب می نامند و هیچ شناختی نسبت به تاریخ کلمه ی حزب و بار معنایی آن در دوره معاصر و تفاوت آن با حزب واحزاب و حزبین مندرج در قرآن ندارند.^۱

به هر حال انتخابات مجلس شورای اسلامی همراه با انتخابات مجلس خبرگان رهبری با شرکت گسترده مردم برگزار شد. گزارش ۶۲ درصدی از مشارکت مردم در انتخابات و به تعبیری دیگر، وجود حدود ۷۰ میلیون رأی برای هر دو انتخابات و مقایسه آن با آمارهایی از قبیل مشارکت ۴۹.۱۰ درصدی در سوئیس و مشارکت ۵۳.۱۰ درصدی در آمریکا و یا ثبت مشارکت ۲۲.۴۷ درصدی در یونان

- علی رغم برگزاری اجباری انتخابات پارلمانی - یا روسیه که مشارکت ۶۵.۲۷ درصدی را ثبت کرده است، نشان از وجود مردم سالاری حقیقی در نظام جمهوری اسلامی می باشد. مشارکتی که باید ادای احترام مردم به دعوت رهبری برای شرکت در انتخابات تعبیر شود که تعبیری کاملاً به حق و صحیح است البته تعمیم این تعبیر به تمامی افراد جامعه صحیح نیست؛ چرا که تنها کسانی مشمول این تفسیر هستند که با چشم باز رای خود را به صندوق انداختند نه با دستان بسته.

اگرچه در بسیاری از استان های کشور ورود منتخبین ملت در دوره اول به مجلس شورا قطعی شده اما ماجرای انتخابات همچنان در نقاطی از کشور ادامه دارد و مجدداً اجرا خواهد شد. چشم های بسیاری از دریچه ی مرزهای جناحی به ۶۹ کرسی باقی مانده مجلس شورای اسلامی - که حدود ۱۵ درصد از کرسی ها می باشد - معطوف شده است. جایگاه هایی که قرار است پذیرای نمایندگانی از ملت باشد که منفعت اسلام و ایران را در نظر داشته باشد، متأسفانه امروزه آماج برخی جناح ها برای تحقق اهداف جناحی شده است. البته این به معنای زیرسوال بردن التزام افراد یا گروهی از آنان نیست چراکه شورای محترم نگهبان بر این خصیصه نظارت مستمر دارد؛ اما باید قبول کرد عضویت در مجلس شورای اسلامی به [برخی از] اعضای جناح ها، فرصت تحزب گرایی افراطی و به نوعی الویت

دادن منفعت جناح بر منافع ملی را می دهد.

به نظر من حزب را در صدر مشروطیت درست کردند. حزب بازی را برای همین درست کردند که نگذارند این ملت با هم آشتی کند. صحیفه نور، جلد ۱۱، صفحه ۱۸۹

اینطور برداشت نشود که با این حساب تمامی نامزدهای مستقل باید در الویت رأی دهی قرار گیرند. جدای از این مسأله که تمامی افراد در رأی دادن آزاد هستند و هر کس را که تمایل داشتند - اعم از نمایندگان جناحی یا مستقل - می توانند به عنوان نماینده ی خود برگزینند، مسأله ی نادیده گرفتن منافع ملی اگرچه نمی تواند با الویت قرار دادن منافع جناحی در نامزدهای مستقل دیده شود (چرا که اساساً جناحی وجود ندارد که بر روی منافع آن متمرکز شد) ولی می تواند به شکل ترجیح منفعت دینی در همه ی افراد دیده شود. البته لازم است این نکته ذکر شود هیچ کدام از احتمالات بالا فعلاً در هیچ یک از منتخبین مجلس دهم دیده نشده است اما احتمال رخداد این مسأله در طول مجلس دهم؛ ولو خیلی کم؛ وجود دارد. سهم انتخاب کنندگان در کاهش میزان رخداد این واقعه و امثال این وقایع، انتخاب کاملاً آگاهانه - نه تقلیدی کورکورانه - و بر اساس معیار حق؛

و توجه به گرایشات سیاسی و جناحی و قیاس آن با بزرگان انقلاب می باشد.

در واقع نمایندگان بایستی توجه داشته باشند که منتخبین ملت هستند نه منتخبین خواص و حرف و خواسته ی مردم باید در حیطه ی دغدغه های آنان قرار بگیرد نه گفته های سردمداران جناحی و انتفاعات قومی. آن دسته از نامزدهایی که اعتماد مردم را جلب کرده و به مجلس راه پیدا می کنند، اگرچه «نمایندگان مردم» نامیده می شوند اما این نامگذاری به این معنا نیست که خواسته های همه ی مردم را برآورده سازند؛ قطعاً در جامعه هستند کسانی که منافعشان در افزایش گرانی می باشد. قطعاً «فتودال زاده» هایی هستند که منافعشان در تبانی، تورم، احتکار و نابرابری های اجتماعی است و درواقع خواستار فزونی موارد مذکور می باشند. بعید نیست که در سیستم بانکی کشور، کسانی باشند که خواستار افزایش بهره ی بانکی کشور بوده چراکه منافع خود (و نه منافع باقی مردم) را در این امر می بینند. اما آیا این اقدامات موافق اسلام است؟ ...

۱- پیام رهبری در پی حضور مردم در انتخابات
۲- در این باره می توان به کتاب مبانی تحزب در اندیشه سیاسی اسلام نوشته سید عبدالقیوم سجادی مراجعه کرد.

۳- موسسه دموکراسی و کمک به انتخابات مستقر در سوئد، از میزان مشارکت مردم در انتخابات کشورها آمارهایی را ارائه می دهد.

۴- مردم دقت کنند که با بصیرت و چشم باز رای دهند - از بیانات رهبر انقلاب در اولین دقایق آغاز رای گیری



این خواسته هایی که ذکر شد هرچند خواسته های مردم نامیده می شوند اما قابل اجرا نیستند چرا که مصداق معارضه با اسلام و در برخی موارد، محاربه با اسلام می باشند. مسلماً نمایندگان باید دقت کنند که در چه جایگاهی هستند و اهمیت حضور واژه اسلامی در مجلس شورای اسلامی را در نظر بگیرند و اقدامات و جبهه گیری ها و کردار و رفتار آنها در چارچوب مسائل اسلامی باشد؛ به این معنا که خواسته های مردم را رصد و آنان را با میزان اسلام بررسی کنند و در چارچوب اسلام به اجرا برسانند و اظهارات و اقدامات خلاف اسلام از آنان دیده نشود.

قرآن کریم دشنام را حتی به مصداق بارز کفر و شرک و نهی کنندگان اصل اول دیانت، یعنی بت های کفار جایز نمی داند و مسلمین را از توهین و فحاشی حتی به بت های سنگی و معابد خرافی نهی می کند (انعام: ۱۰۸).
پ.ن: **توهین و فحاشی** به یکدیگر ممنوع

قرآن کریم اطاعت از خود، پیامبر و پیشوایان را مطرح می سازد و پس از آن، اطاعت از کسانی را مطرح می کند که با مصداق قرآنی و نبوی همخوانی داشته باشد (النساء: ۵۹).

پ.ن: ۱: رد و انکار حاکم اسلامی رد و انکار ماست و رد و انکار ما، رد بر خداست (اصول کافی، جلد ۱، صفحه ۶۷، حدیث ۱۰).

پ.ن: ۲: هرگونه اقدام بر خلاف مصداق اسلامی و فرامین حاکم شرع، ممنوع

با تمامی این اوصاف، این انتخابات فرخنده را به فال نیک می گیریم و به منتخبین قطعی خانه ی ملت عرض تهنیت به جهت مورد اعتماد مردم قرار گرفتن و برای نامزدهای دور دوم آرزوی موفقیت می کنیم. امید است که در پرتوی عنایات الهی، مجلس پیش رو، مجلسی به معنای واقعی کلمه اسلامی و مشکل گشای مسائل واقعی مردم باشد نه جایگاهی برای پی ریزی منافع گروهی افراد و نیل به مقاصد معارض با شرع. «... ما باید جلوی مفاسد را بگیریم، ما موظفیم از طرف اسلام مصالح مسلمین را حفظ کنیم...»

۵- صحیفه نور، جلد ۸، صفحه ۲۴۵



روز نوشت

تحلیل کوتاه:

« در این مقطع زمانی، سیاستهای استکبار و بخصوص و به طور خاص سیاستهای آمریکا اقتضا میکند که یک تفکری تزریق بشود در میان ملت ما؛ اول در میان نخبگان جامعه و بعد از آن بتدریج به افکار عمومی منتقل بشود؛ یک تفکر خاصی تزریق بشود به افکار عمومی. آن سیاستی که مورد نظر آنها است این است که وانمود کنند ملت ایران بر سر یک دوراهی قرار دارد و چاره ای ندارد جز اینکه یکی از این دو راه را انتخاب کند. آن دوراهی عبارت است از اینکه یا باید با آمریکا کنار بیایند، یا باید به طور دائم فشارهای آمریکا و مشکلات ناشی از آن را تحمل کنند؛ یکی از این دو راه را ملت ایران باید انتخاب کند؛ این چیزی است که آنها

می کند. کنار آمدن با دولت آمریکا ناگزیر به معنای قبول تحمیل های آن دولت است؛ خصوصاً که اختلاف جمهوری اسلامی با آمریکا سر یک مسئله و چند مسئله نیست! اگر قرار باشد سیاست کنار آمدن با آمریکا-که غیر از همه ی کشورهای دیگر است- اتخاذ شود، باید از تمام اصول انقلاب کوتاه بیایم که در این حال چیزی جز صورتی ظاهری از جمهوری اسلامی، باقی نخواهد ماند. به نظر میرسد تنها راه حقیقی پیش روی دولت و ملت، # تکیه به توان داخلی است. شکوفایی علمی، اقتصاد مقاومتی و خودکفایی... »

زهرا مجیدی

میخواهند.» بیانات مقام معظم رهبری در جمع زائران حرم رضوی- ۱/۱/۱۳۹۵ یکی از مواردی که رهبر معظم انقلاب پس از ایجاد توافق هسته ای مکرراً متذکر می شوند، مسئله "نفوذ" است. ایشان در سخنرانی آغاز سال نیز، از تلاش برای القای یک دوراهی موهوم یاد میکنند. تلاشی که از دشمن شروع شده، برخی خواص و نخبگان را درنور دیده و از این طریق به بطن جامعه تسری می یابد. هر دو سوی این دو راهی باطل است. نه کنار آمدن با آمریکا راحتی و آسایش ما را فراهم می کند و نه درغیر اینصورت مجبور به تحمل مشکلات خواهیم بود.

اصولاً در همه جای دنیا وقتی کشوری با آمریکا توافق می کند، به این معنی است که از مواضع خودش، از منافع خودش به نفع آن عقب نشینی

محمد ابویسانی

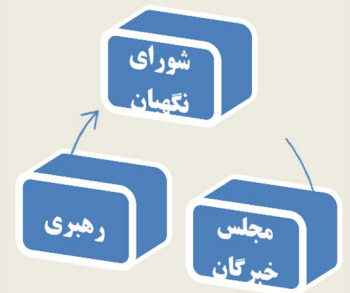
شبهه دور در جمهوری اسلامی

مثلت
خیالی

انتخابات مجلس خبرگان جرقه ای زد برای بررسی یک شبهه و این نشریه، بهانه ای شد برای مطرح ساختن آن...

مفهوم شبهه ...

اجازه بدهید ابتدا شبهه‌ی وارده یا به اصطلاح، صورت سوال را بهتر بیان کنیم. مطرح کنندگان شبهه - که آنرا دور می نامند- ادعا می کنند که چون شورای نگهبان صلاحیت خبرگان رهبری را تایید کرده و به آنها اعتبار و مشروعیت می بخشد و مجلس خبرگان هم، وظیفه‌ی انتخاب و اعتبار بخشیدن به رهبری (دامت بقائه) را دارند؛ و به این خاطر که انتخاب اعضای شورای نگهبان برعهده‌ی رهبری می باشد؛ پس در واقع رهبری را کسانی انتخاب می کنند که خود انتخاب شده‌ی رهبری اند و این قضیه موجب وجود یک دور در نظام جمهوری اسلامی می باشد.



به عبارت دیگر، شبهه نتیجه‌ی می گیرد که چون اعتبار حکم ولی فقیه به رای و نظر مجلس خبرگان بستگی دارد و مشروعیت مجلس خبرگان نیز بطور غیرمستقیم (بواسطه‌ی شورای نگهبان) به امضا و نظر ولی فقیه بستگی دارد، رابطه دور پیش می آید که براساس فلسفه و منطق، باطل می باشد.

پاسخ ها به شبهه‌ی دور ...

مجلس خبرگان و مقام رهبری

در نظام جمهوری اسلامی، رهبری

مشروعیت خود را از هیچ شخص یا ارگان یا مجلسی دریافت نمی کند. درواقع مشروعیت رهبری به رای و نظر خبرگان وابسته نیست بلکه به نصب الهی است و رای مجلس خبرگان مشروعیتی را به رهبری اعطا نمی کند بلکه تعیین مصداق می کند و اعضای مجلس خبرگان براساس مصادیق اسلامی، رهبر آینده را کشف می کنند. درنتیجه‌ی این پاسخ نیز نتیجه گرفته می شود در ارتباط با مجلس خبرگان و رهبری هیچ دوری وجود ندارد، زیرا شبهه بر این فرض استوار است که رهبری مشروعیت و اعتبار خود را از مجلس خبرگان دریافت می کند. البته مسلم است که رهبری باید فردی قانونی و شرعی باشد. در اینجا ممکن است شبهه را مجددا مطرح ساخت که درست است که مشروعیت رهبری به نصب الهی است اما قانونی بودن او به نصب خبرگان رهبری می باشد و پاسخ دوم معتبر نیست. در اینجا باید گفت که وظیفه‌ی قانونی ساختن رهبر فعلی بر عهده‌ی مجلس خبرگانی بوده که ایشان هیچ نقشی در تعیین اعضای آن نداشته اند و همین طور، قانونی ساختن رهبر بعدی نیز بر عهده‌ی مجلس خبرگانی خواهد بود که او نقشی در انتصاب و انتخاب آن ندارد. لذا مجددا می توان نتیجه گرفت میان مجلس خبرگان و رهبری هیچ دوری وجود ندارد.

طراحان شبهه شاید مجددا شبهه را زنده سازند و ادعا کنند که به هرحال، مجلس خبرگان حق عزل رهبر فعلی را دارند؛ لذا باز هم رابطه‌ی انتخابی و انتصابی میان رهبرفعلی و مجلس خبرگان برقرار است. پاسخ چهارم این است که

عزل، پس از نصب بیان می شود و معنا پیدا می کند و قبول این مطلب که مجلس بعدی، حق عزل را دارند، به دنبال این است که نصب وی را پذیرفته باشد. و چون انتصاب رهبر فعلی پیش از تشکیل مجلس خبرگان بعدی بوده، درنتیجه مشروعیت و قانونی بودن وی سابق بر تشکیل خبرگان جدید بوده. از طرف دیگر، مجلس خبرگان مطابق با اصل ۱۱۱ قانون اساسی حق عزل و برکناری رهبری را دارد اما همانگونه که در این اصل آمده، عزل مشروط به فقدان مصادیق رهبری می باشد. بدین معنا که مجلس خبرگان وظیفه بررسی مصادیق رهبری در رهبر را دارد و هرگاه رهبری فاقد این مصادیق شد، می تواند وی را از رهبری خلع نماید. از طرفی انتخاب اعضای مجلس خبرگان نیز بوسیله مردم صورت می گیرد. پس معین شد در عزل رهبری نیز هیچ دوری میان خبرگان و مقام رهبری مشاهده نمی شود.

شورای نگهبان و مجلس خبرگان

اما در باب جزء دوم چرخه نیز ممکن است ادعاهای فوق مطرح شود. برای جلوگیری از طولانی ساختن متن، مختصر به این امر می پردازیم که:

فقه‌های شورای نگهبان مشروعیت دهنده به خبرگان نیستند. زیرا چنانچه مشروعیت را به معنای شرعی بودن در نظر بگیریم، شرعی بودن اعضای خبرگان وابسته به وجود شرایط خبرگی در آنها می باشد و وظیفه شورای نگهبان، تشخیص شرایط خبرگی در نامزدهای خبرگان می باشد نه اعطای شرایط خبرگی. و چنانچه مشروعیت را به معنای قانونی بودن بگیریم، باید دقت کنیم که قانونی بودن خبرگان به دو امر بستگی دارد: خبره بودن (وجود شرایط) و انتخاب مردم. بدین معنا که چنانچه شورای نگهبان صلاحیت فردی را تایید کنند اما مردم به وی رای ندهند، به مجلس خبرگان راه نخواهد یافت. نتیجه اینکه شورای نگهبان نیز به مجلس خبرگان مشروعیتی اعطا نمی کند و در این بخش از حلقه نیز هیچ دوری وجود ندارد.

می توان دوباره ادعا کرد که از آنجا که رهبر فعلی نیاز به تایید مجلس های خبرگان بعدی و یا انتخاب دوباره از سوی آنان را دارد، «افسانه‌ی دور» بار دیگر مشهود می شود. پاسخ این ادعا این است که در هیچ کجای قانون اساسی انتخاب مجدد رهبری نیامده و این امری است مخالف قانون و قرارداد و توافق. از طرف دیگر، تایید رهبری در مجلسی که ایشان را معرفی کردند، نشان از کشف مصادیق رهبری (مشروعیت) در وی بوده فلذا رهبری به تایید مجلس (های) جدید نیاز ندارد اما چنانچه تایید مجلس (های) جدید هم رخ داد، این نه به معنای اعطای مشروعیت و نصب جدید بلکه به معنای تایید

مقام رهبری و شورای نگهبان

طراحان شبهه ادعا می کنند که مگر نه این است که اعضای شورای نگهبان را رهبری انتخاب می کند؛ پس رهبری می تواند کسانی را برای شورای نگهبان انتخاب کند تا در نهایت، صلاحیت افرادی خاص از سوی شورای نگهبان تایید شود و افراد خاص وارد مجلس خبرگان شوند. در پاسخ باید گفت که اولاً، شورای نگهبان ۱۲ نفر عضو دارد که ۶ نفر از این افراد، فقهای عادل و آگاه به مقتضیات زمان و مسائل روز می باشند. این ۶ نفر از سوی مقام رهبری کشف و قانوناً نصب می شوند؛ فلذا در مورد این ۶ نفر نیز هیچ اعطای مشروعیت و اعتباری وجود ندارد بلکه کشف مصادیق صورت می گیرد و رهبری بر طبق مصادیق، آنها را کشف و حضور آنان در شورای نگهبان را قانونی می کند. ۶ نفر عضو دیگر شورای نگهبان، حقوقدانانی هستند که به وسیله رییس قوه قضاییه به مجلس شورای اسلامی معرفی و با رای مجلس، منصوب می شوند. پس در مورد این ۶ نفر، در نهایت تصمیم گیرنده نمایندگان مجلس و به عبارت دیگر، تصمیم گیرنده اصلی مردم هستند که نمایندگان خود را راهی مجلس کرده اند. اما ذکر این نکته هم مهم است که مطابق اصل ۹۲ قانون اساسی، پس از گذشتن ۳ سال، نیمی از اعضای هر گروه (فقها و حقوقدانان) به قید قرعه تغییر می یابند و اعضای تازه ای به جای آنها انتخاب می شوند. برخی نیز معتقدند که چون نصب ریاست قوه قضاییه بر عهده رهبری است پس درواقع ۶ نفر دوم نیز منتخب رهبرند؛ پاسخ این است که اولاً نصب رییس قوه قضاییه نیز به

اگر به قانون انتخابات در کشورهای دیگر جهان نیز نگاهی بیندازیم، با مسائل مشابه مواجه خواهیم شد. انتخابات نخست وزیری در انگلستان، انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا و انتخابات ریاست جمهوری در فرانسه از جمله آنها می باشند. حتی برای مورد اول می توان وجود ۲ دور در انتخابات را نتیجه گرفت. اما آیا این مسائل واقعا دور نامیده می شوند؟

پاسخ خیر است ... دور در این موارد زمانی مشهود خواهد بود که وزارت کشور (در دیگر کشورها) مستقیماً نمایندگان یا رییس جمهور را انتخاب کنند؛ همانطور که در کشور ما شورای نگهبان، صلاحیت نامزدها را بررسی می کنند و آنها را انتخاب نمی کند و انتخاب کننده ی اصلی مردم هستند، در کشورهای دیگر نیز ارگان های مربوطه بر صلاحیت نامزد ها نظارت می کنند.

در کشور ما، صلاحیت داوطلبان مجلس شورای اسلامی را هیئتهایی بررسی می کنند که می توان آنها را با یک واسطه، منتخب وزارت کشور و در نتیجه منتخب دولت محسوب کرد اما آیا این امر به معنای اعطای مشروعیت از سوی دولت به داوطلبین مجلس می باشد؟ بدیها خیر

مشروعیت نمایندگان مجلس بستگی به وجود شرایط نمایندگی و رای مردم دارد نه دولت

جهت اینکه مبتنی بر مصادیق می باشد، لذا کشف است و حکم رهبری نه به معنای اعطای مشروعیت که به معنای قانونی ساختن وی آنها در مدت محدود و معین می باشد. ثانیاً همانطور که مشخص شد که افراد معرفی شده از سوی رییس قوه قضاییه باید به تایید مجلس شورای اسلامی برسند و انتخاب کننده نهایی مردم هستند نه رییس قوه قضاییه.

نتیجه گیری

سعی شده است شبهه دور از تمامی جوانب بررسی و در چارچوب منطق و سنجیده گویی برطرف گردد. پاسخ های ارائه شده بطور دقیق اجزا شبهه را بررسی و در نهایت تمامی اضلاع این مثلث خیالی شبهه را حذف کرده اند. لذا چنانچه در هر بخشی از این مثلث مجدداً شبهه ای حاصل شد، به پاسخ همان ضلع رجوع کنید تا انشالله شبهه رفع گردد. در نهایت لازم می دانم دو نکته را در انتها ذکر کنم:

اولاً، سر رشته ی هر چزئی از مثلث شبهه را دنبال کنید در نهایت به مردم و انتخاب آنان خواهید رسید و این مردم هستند رهبری، خبرگان، نمایندگان مجلس، حقوقدانان شورای نگهبان و حتی فقهای آن را انتخاب می کنند و مردم هستند که پایه های این نظام الهی و صاحبان اصلی انقلاب و کشورند.

ثانیاً، در بررسی شبهات پیش فرض ها را نایده نگیرید و همواره توجه داشته باشید که اگر ظن شبهه در فلان بخش دارید، پس وجود آن بخش یا بخش های قبل تر را پذیرفتید و شرایط و مصادیق آنها را قبول دارید. شاید ذکر یک مثال بتواند بهتر مفهوم را برساند؛ در نظر بگیرید که قصد دارید از میان مجموعه ی اعداد

فرد یک عدد انتخاب کنید، پیش فرض در این مسئله، فرد بودن اعداد انتخابی است، پس قطعاً ۱۰،۱۲،۴۴ و هیچ عدد زوج دیگری انتخاب نخواهد شد زیرا با فرض سوال در تناقض بوده و یک عدد نمی تواند هم زوج و هم فرد باشد. به همین منوال اگر گمان می کنید که نصب فقهای شورای نگهبان از سوی رهبری می تواند سلیقه ای انجام شود، شما وجود رهبری و نصب ایشان در مجلس خبرگان قبلی منطبق بر مصادیق را پذیرفته اید؛ به عبارت دیگر وجود تقوا در ایشان را پذیرفته اید؛ پس شبهه با فرض وجود تقوا در رهبری متناقض است و هیچ فرد یاتقوایی، اقدامی را بر اساس هوس و امیال مادی انجام نمی دهد پس عملاً امر اشاره شده در شبهه انجام نشدنی خواهد بود.

شبهه فوق بر اساس آن چیزی که آنرا می شناسند یعنی « دور بودن » نیز بررسی شده است اما به دلیل نوع مطلب و به منظور جلوگیری از طولانی بودن آن، این بخش از مطلب در کانال تلگرام نشریه قرار گرفته است. خواندن این بخش از مقاله را نیز به خوانندگان محترم توصیه می کنم.



زهره مقبلی هنزا

برابری یا نابرابری؟ مسأله این است!



ترین و مهم ترین رکن فرهنگ در کشورهای اسلامی می بیند. در این کشورها دستیابی به اهداف تساوی طلبانه خویش را درگرو همسویی و همراهی با فرهنگ دینی می پندارد. از این رو، آرمانها و راهکارهای خود را در حال و هوای مباحث دینی و از زاویه ای درون دینی پی می گیرد؛ هرچند اساس اندیشه و راهکار خود را برآمده از آموزه های دینی نمی داند.

به عبارت دیگر، در این انگاره، ادبیات دینی، بستر طرح مباحث فمینیسمی قرار میگیرد نه آنکه تفکر دینی، منشأ حرکت دفاع از حقوق زنان باشد. چنان که در تعریف فمینیسم اسلامی آن را تلاش نظری، عملی و سیاسی خوانده اند که در این مقطع از تاریخ جنبش زنان ایران، نوگرایی، اصلاح و حتی شالوده شکنی را از زاویه درون دینی نمایندگی می کند.»

منابع

سید حسین اسحاقی « Peykare feminism irani »

***نیره توحیدی، فمینیسم اسلامی چالشی دموکراتیک یا چرخشی تئوکراتیک، کنکاش، آمریکا، پاییز ۱۳۷۶، ش ۳، ص ۱۲۹

سیاست آورد. فمینیسم اسلامی؛ یکی از گرایش های فمینیسم است، فمینیسم اسلامی از درون به اسلام متصل است. طرح مباحث فمینیسمی در جهان اسلام از اواخر قرن نوزدهم و در پی نفوذ فرهنگ مدرن در کشورهای اسلامی صورت گرفت؛ پسوند اسلامی پس از واژه فمینیسم، نشان گر تفسیری فمینیسمی از اسلام است نه تلاش برای دفاع از حقوق زنان بر اساس آموزه های اسلامی. گروهی که پس از انقلاب اسلامی کوشیدند تا با تفکر لائیک به دفاع از حقوق زنان بپردازند، دریافتند که گرایشهای مذهبی در زنان ایرانی قوی است و هیچ تحول اساسی در ایران بدون در نظر گرفتن مذهب، نمی تواند راه گشایند، بر این اساس به طرح فمینیسم اسلامی پرداختند چنانچه که *** یکی از فمینیسم های اسلامی با تفکرات لائیک به صراحت اشاره میکند: «فمینیسم اسلامی، اصطلاحی است که در سالیان اخیر به ادبیات دفاع از حقوق زنان راه یافته و در برخی از کشورهای اسلامی همچون ایران، جا برای خود باز کرده است. این گرایش شاخه ای از فمینیسم است که به تفسیر زن مدارانه از اسلام می پردازد و از آنجا که دین را نافذ

عرصه سیاست و کار اقتصادی محدود نمی شود، بلکه تا قلمرو خصوصی خانواده هم ادامه دارد. البته در بعضی جوامع، حتی جامعه ی دینی که با رهنمودهای اسلامی پیش می رود، مردسالاری و قوانین ضد انسانی و ضد زن وجود دارد که باید با این نابرابری غیر اسلامی مبارزه کرد؛ اما! آیا مبارزه ای که فطرت زن بودن را از بین ببرد؟؟ مبارزه ای که نقش مادری، همسری، خواهر و سرانجام کانون گرم خانواده را از هم بپاشد؟ مبارزه ای که مفهوم واقعی زن بودن و مرد بودن را از بین ببرد؟ در واقع جامعه ی غربی و بهتر است بگوییم که تفکرات فمینیسمی غیر اسلامی، نسخه ای برای این مشکل پیچیده است که نه تنها درمان نمیکند بلکه به مشکلات اضافه میکند و راه حل نهایی برای زنان را پیروی از روش های غربی (روش های غیر اسلامی و خاموش کردن فطرت زن بودن) میدانند.

در دهه ی ۱۹۶۰ در آفریقا سازمان ملی زنان و سایر گروه های زنان از راه تاکید بر حقوق برابر در زمینه کار، آزادی سقط جنین و تغییر قانون خانواده و طلاق و حقوق زنان همچون خواه، مسائل زنان را از حاشیه مسائل سیاسی به مرکز

شناخت مسأله فمینیسم به عنوان یک مسأله فرهنگی به این دلیل مهم تلقی می شود که در جامعه ی اسلامی در معرض خطر افراطی گری و همچنین راه حل های غربی قرار گرفته است، آن هم با هدف رهایی زنان از ستم ها و ظلم هایی که به آنان رواداشته شده است. در واقع زن گرایی در بعضی کشورها به مرحله ی افراطی رسیده است، اساس مبارزه فمینیسم این است که زنان به دلیل جنسیت گرفتار تبعیض شده اند (در شماره قبل نشریه تقریباً بطور کامل به این موضوع پرداختیم).

مبنای نظریه فمینیسم، تقسیم ارزش ها به زنانه و مردانه است. این دیدگاه ها، نوعی رابطه تضاد، رقابت و... بین دوجنس برقراری کند. در واقع نوعی نگرش فمینیسم وجود دارد که محور آزادی و بی قیدی زن، نسبت به هرگونه توصیه ای است که طبیعت و دین و ساختارهای جامعه و خانواده و روابط بین زن و مرد ارائه می دهند که نقطه ی آسیب فمینیسم از همین جاشکل میگیرد، زیرانقش مادری، همسری، و... همه ی ارزش های جامعه و خانواده را نفی میکند.

فمینیسم ها معتقدند که مردان پیوسته خواهان تسلط بر زنان بوده اند و مردسالاری از این منظر، به

کلام دوست



ما از دنیا طلبکاریم.

دنیا که عرض میکنم، یعنی دنیای غرب.

ما هستیم و به دنیا خطاب میکنیم و می گوییم: شما به بشریت عموماً، و به زن خصوصاً خیانت کرده اید؛ با کشاندن زن و مرد به وادی ابتلائات جنسی و برافروختن و دامن زدن به آتش زیاده روی های جنسی بی قانون و بی نظم در جامعه و با آوردن زن به شکل متبرج به وسط میدان.

معلوم است که زن، آن بخش زیبای آفرینش بشر است. این بخش زیبا بطور طبیعی با اندکی در پرده بودن همراه است؛ این خاصیت این بخش زیبا و لطیف وجود انسانی است. این پرده را دریدن، و آنچه را که باید با نظم و قانون پیگیری شود _ آن نیاز غریزی انسان، چه در زن و چه در مرد _ بی قانون و بی نظم در جامعه رواج دادن، بزرگترین خیانتی است که در درجه ی اول به زن و در درجه بعد به همه ی بشریت _ زن و مرد _ انجام گرفته، ... آن طور جنس زن را _ یعنی همان بخش زیبا و لطیف و مستور و در پرده ی وجود بشر _ برای شغل، برای تبلیغات، برای کار به میدان کشاندن، از زیبایی های او، از جسم او، از چهره ی او برای ترویج فلان جنس بی ارزش و پست، برای بدست آوردن پول استفاده کردن، این چیزها را هم بدنبال خودش دارد. طبیعی است این کارها را دنیای غرب کرده، این کارها را سیاست های غربی کرده اند.

«بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمع کثیری از زنان نخبه در آستانه ی سالروز میلاد حضرت زهرا (س) _ تیر

چرا ولایت فقیه؟؟

آسیه صولتی

اماالحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواه حدیثنا، فانهم حجتی علیکم و انا حجه الله؛ در حوادث و پیش آمدها به راویان حدیث ما رجوع کنید زیرا آن ها حجت من بر شمایند و من حجت خدایم." حضرت امام خمینی (قدس سره) می فرماید: "منظور از حوادث واقعه در این جا احکام شرعی نیست زیرا این مطلب مسلم بود که شیعیان در این مورد به امامان (ع) و فقها مراجعه می کردند روایت کننده ای مانند اسحاق بن یعقوب به این مطلب توجه داشته است، بلکه منظور، پیش آمدهای اجتماعی و گرفتاری هایی بوده که برای مردم و مسلمین رخ می داده است و منظور از حجه ... این است که همان گونه که حضرت رسول (ص) حجت و مرجع تمام مردم است، فقها نیز مسوول امور و مرجع عام توده های مردم هستند."

امام حسین (ع) درضمن گفتاری فرموده اند: "همانا جریان امور و احکام در دست عالمان ربانی است که امین بر حلال و حرام خدا هستند." دلالت این روایت نیز بر مشروعیت ولایت فقیه روشن است.

موارد ذکر شده از جمله روایاتی است که فقهای بزرگ ما برای مشروعیت ولایت فقیه و لزوم پیروی از وی، به عنوان حاکم و زمامدار، استدلال نموده اند.

کنید، به عدالت داوری کنید." مطابق روایات متعدد، منظور از امانت در این جا رهبری جامعه است که اهلش امامان معصوم (ع) و جانشینان برگزیده ایشان هستند، آن ها که بر اساس عدالت، حکومت و داوری می کنند. کلید خوشبختی جوامع، رهبری افراد لایق و عادل است که در این عصر مصداق بارز بلکه منحصر آن، در ولایت فقیه تبلور می یابد.

در آیه ۳۵ سوره یونس نیز میفرماید: "آیا کسی که هدایت به سوی حق می کند برای پیروی شایسته تر است یا آنکس که خود هدایت نمی شود مگر هدایتش کنند؟ شما را چه می شود، چگونه داوری می کنید؟" مفهوم این آیه نیز این است که حاکمان صالح به خدا و حق نزدیک ترند و اطاعت از آن ها بر اطاعت از دیگران مقدم است.

این آیات که نمونه ای از ده ها نمونه دیگر است، علاوه بر این که بر لزوم تشکیل حکومت صالحان دلالت دارند، بیان گر لزوم وجود شایستگی علمی و عملی برای احراز مقام رهبری هستند. روشن است که در عصر ما که عصر غیبت امام معصوم (ع) است، چنین لیاقت و صلاحیتی در وجود فقهای جامع شرایط تبلور می یابد که ما از آن به "ولایت فقیه" تعبیر می کنیم.

درباره ی نامه ای که حضرت ولی عصر (عج) در پاسخ به سوالات اسحاق بن یعقوب فرموده اند که: "و

و شکوفا شدن استعدادهایش قرار دهد. بدون شک بشر موجودی اجتماعی است و هر اجتماعی در روابط و داد و ستدها و... به قانون و رهبر نیاز دارد، چرا که با فقدان قانون و رهبر، هرج و مرج دامن اجتماع را می گیرد و پی آمدهای شوم و ویران گر آشوب و سرگردانی بر کسی پوشیده نیست. ضرورت نیازانسان به وجود رهبر به عنوان رهنمود دهنده، به قدری بدیهی و مهم است که حتی وجود رهبر غیر عادل، بهتر از فقدان رهبر است؛ چنان که امیرمومنان علی (ع) می فرماید: "و انه لابد للناس من امیر، بر او فاجر"; مردم نیاز به رهبر دارند، خواه آن رهبر نیکوکار باشد یا بدکار. بنابراین وجود رهبر، بهتر از نبود اوست، و وجود رهبر عادل قطعاً انسانها را به سوی عدل و داد و مصالح انسانی کشانده و از انحرافات و مفاسد باز می دارد و موجب تامین سعادت دنیا و آخرت می گردد. نتیجه این که به حکم عقل، مساله امامت و رهبری (که ولایت فقیه در امتداد آن است) لطفی است از جانب خداوند.

دلایل نقلی بر مشروعیت ولایت فقیه

در قرآن آیات متعددی وجود دارد که به لزوم تشکیل حکومت صالحان تاکید می کند و مردم را از پیروی طاغوت و حاکمان ستمگر بر حذر می دارد، از جمله آیه ۵۸ سوره نساء: "خداوند به شما فرمان می دهد که امانت ها را به صاحبانش برسانید و هنگامی که میان مردم داوری و حکومت می

در جامعه، اموری وجود دارد که حفظ نظام اجتماعی به آنها بستگی دارد اما وظیفه افراد جامعه نیست مثل قضاوت و ولایت بر امور، حفظ نظم داخلی و مرزها، دستور جنگ یا دفاع. این کارها بر عهده هر کسی نیست بلکه مسئول جامعه عهده دار آن است. دین اسلام دینی است سیاسی و دستورات آن به امور عبادی محدود نیست بلکه بیش تر دستورات اسلام درباره اداره شهرها و نظم اجتماع و تامین سعادت دنیوی و اخروی می باشد مثل احکام معاملات، سیاسی، جزایی و قضایی و مالیاتی که دولت اسلامی به وسیله آنها اداره می شود مانند خمس و زکات و... به همین دلیل شیعه و سنی بر ضرورت وجود رهبر و حاکم اسلامی اتفاق نظر دارند و این امر از ضروریات اسلام است.

نظر به این که ولایت فقیه، همان حکومت دینی و همان امتداد خط نبوت و امامت و مساله رهبری است، نظر شما را به مبانی عقلی و نقلی آن به طور خلاصه جلب می کنیم:

مبانی عقلی ولایت فقیه

دلایل عقلی که مساله نبوت و امامت را ضروری و واجب می داند، در مساله ولایت فقیه نیز جریان دارد. از جمله ی آن، یکی از قواعد مورد قبول متکلمان عدلیه، «قاعده لطف» است. براساس این قاعده بر خداوند حکیم و عادل لازم است انسان را در مسیر تحقق



امام خمینی (رحمه الله علیه)

پشتیبان ولایت فقیه باشید

تا به مملکت شما آسیبی نرسد

ولایت فقیه

همان ولایت

رسول الله است

ص

زهره قدوسی

سالی که گذشت...

«نقد دولت»

اگر بخواهیم سال ۹۴ را با حساب و کتاب خودمان در عرصه سیاست، جامعه، فرهنگ و البته اقتصاد، مرور و بررسی کنیم، شروع سال ۹۴ را می‌شود به روش‌های مختلفی تعریف کرد. سال ۹۴ وقتی شروع شد، دقیقا ۴۸۰ روز از پایان وعده ۱۰۰ روزه دکتر حسن روحانی برای حل مشکلات کشور می‌گذشت. سال ۹۴ وقتی شروع شد، دقیقا ۱۹۵ روز از ادعای «عبور کردن از رکود» و ۲۵ روز از ادعای «تورم صفر» می‌گذشت. ۴۵ روز از ادعای رئیس جمهور درباره موفق بودن دولت در «محیط زیست» و «هوای پاک» و مساله «آلودگی هوا» می‌گذشت. سال ۹۴ زمانی آغاز شد که نزدیک به ۲ سال از ادعای بازگرداندن احترام به پاسپورت ایرانی می‌گذشت. سال ۹۴ با تقویم ما زمانی شروع شد که هنوز از ماحصل توافق ژنو عایدی نصیب مردم نشده بود. سال ۹۴ را با روزها و وعده‌ها اگر بشناسیم می‌توانیم معیار مناسبی برای کارآمدی دولت در این سال عرضه کنیم.

تلخی فرودگاه جده

در دهه سوم فروردین، رسانه‌ای شدن ماجرای تعرض ماموران سعودی به ۲ نوجوان ایرانی در فرودگاه جده، بشدت خشم ایرانیان را برانگیخت. پس از ۱۰ روز تجمع، اعتراض و تشکیل کمپین‌های «احترام به پاسپورت ایرانی» در اعتراض به انفعال دستگاه دیپلماسی، دولت مجبور به لغو سفر عمره شد. با این همه حتی تا روزهای پایانی سال ۹۴ هم خبری از جزئیات محاکمه خاطیان فرودگاه جده به گوش نرسید و گویا دولت نتوانسته در این حوزه کار بخصوصی انجام دهد.

آب خوردن! تحریم!

خرداد را شاید بتوان ماه

عجیب‌ترین اظهارنظر دکتر روحانی نام نهاد؛ وقتی او با صراحت لهجه خاص خود می‌گوید: تحریم باید از بین برود تا مشکل آب خوردن مردم حل شود. مردم به او در روز تشییع شهدای غواص پاسخ می‌دهند: آب خوردن مردم به سلام بر حسین بستگی دارد، نه رفع تحریم‌ها! پیش‌تر از سوی دولت گفته شده بود که رفع تحریم‌ها در ازدواج جوانان و ساختن فیلم‌های فاخر تاثیرگذار است.

غم منا و فاجعه دیپلماسی

شهریورماه و در کشوقوس مجادله بر سر به مجلس رفتن یا نرفتن برجام و در حالی که روحانی خود را برای سفر نیویورک مهیا کرده بود، فاجعه دلخراش مسجدالحرام اتفاق افتاد. به فاصله چندروز فاجعه منا در حالی اتفاق افتاد که روحانی در هواپیمای سفر به نیویورک بود. حادثه غم‌انگیز منا، که یکی از تلخ‌ترین وقایع سالیان اخیر برای مردم ایران است، پرده دیگری از ضعف دستگاه دیپلماسی را آشکار کرد. دیپلماسی ضعیف وزارت امور خارجه با انتقاد شخصیت‌های کشوری و لشکری و مراجع نیز همراه بود. تنها در یکی از واکنش‌ها به این دیپلماسی ضعیف، آیت‌... هاشمی شاهرودی از دولت گله کرد و گفت: «... برخوردی که متأسفانه دولت ما دارد با این جریان می‌کند بسیار برخورد نامناسبی است. کشوری که ۵۰۰ نفر از افرادش اینجوری تلف شدند و با این جنایت از بین رفتند خیلی بیش از این نیاز دارد به برخورد با این قضیه... این یک جنایت است. یک دشمنی است. یک تعدی و تجاوز است و غیر از آن هتاکی‌ها و بی‌اعتنایی‌هاست. معنا ندارد ۵۰۰ نفر از حجاج کشته شوند و از بین بروند و برخوردها در حد مسائل دیپلماسی معمولی باشد... درد بزرگی است واقعا. باید تشخیص

بدهیم تا کی می‌خواهیم در این مسائل سیاسی خودمان را گول بزنیم». در این میان ادعای قابل تامل رسانه‌های دولتی درباره نیمه‌کاره گذاشتن سفر نیویورک از سوی آقای روحانی قابل تامل بود، اما آیا واقعا ایشان سفر را نیمه‌کاره رها کرده بودند؟ در همان ایام، خبرگزاری رسمی دولت (ایرنا) از ۵ روزه بودن سفر رئیس‌جمهور خبر داده بود و این به معنای آن است که عملا بازگشت وی براساس برنامه قبلی بوده و هیچ ارتباطی با حادثه منا نداشته است. این ادعا موجب تعجب بسیاری از مطلعان و افکار عمومی گشت.

نفت مفت!

موضوع نفت و پایین آمدن قیمت آن اگرچه مساله‌ای بین‌المللی تحلیل می‌شود اما جمله کشورها از توطئه مشترک عربستان و ایالات متحده در کاهش قیمت نفت سخن می‌گویند و ناظران سیاسی در داخل می‌پرسند، چرا هرگاه زنگنه وزیر نفت می‌شود، قیمت نفت به این شدت سقوط می‌کند؟!

به خدا پناه می‌برم از بستن

دهان منتقدان

ایام برگزاری نمایشگاه مطبوعات، یک اتفاق رسانه‌ای فضا را متفاوت از سال‌های گذشته می‌کند. در ابتدا «وطن امروز» در انتقاد به آنچه در دولت یازدهم به عنوان آزادی بیان زیر پا گذاشته است، اعلام می‌کند در نمایشگاه مطبوعات شرکت نمی‌کند. رسانه‌های فراوان دیگری نیز از شرکت در نمایشگاه مطبوعات سر باز می‌زنند، چراکه معتقدند دولت، برخورد مناسبی با رسانه‌ها نداشته است. به این ترتیب بیست و یکمین نمایشگاه مطبوعات و خبرگزاری‌ها در حالی برگزار می‌شود که بیش از خبر افتتاحیه این نمایشگاه، خبر شرکت نکردن

بخش عمده‌ای از فضای رسانه‌ای کشور در میان اهالی رسانه منعکس و مطرح می‌شود. «وطن امروز» در روزی که بخشی از سخنرانی روحانی در مراسم تنفیذ (خدایا به تو پناه می‌برم از استبداد رای...) را تیتیر کرده است، خطاب به وی می‌نویسد: «ریاست محترم جمهور! گیرم که از تبعیض مشهود یارانه‌ای توسط وزارت ارشاد بگذریم، گیرم که این بی‌عدالتی محض را نادیده بگیریم، گیرم که تذکرات پی در پی و توبیخ و در محکمه نشان دادن بابت نقدهای هسته‌ای را فراموش کنیم و گیرم که از یاد ببریم نقد اقتصادی و... را که به جای جواب متین شنیدن از دست‌اندرکاران، منجر به حضور روزنامه در دادگاه شده، هرگز یارای مان نیست که از ۲ شکایت وزارت ارشاد، معطوف بر تیتیرهایی درباره آل سعود صرف‌نظر کنیم. مع‌الاسف در این ۲ مورد، تنها بحث مظلومیت روزنامه و نویسندگان در میان نیست، بلکه پای آبروی دولت هم در میان است». در این میان حتی صدای سازنده فیلم تبلیغاتی روحانی هم در می‌آید و از «کم‌تحملی و کارنا بلدی وجه اطلاع‌رسانی و پاسخگویی دولت» انتقاد میکند: «هر آینه شمار حتی دوستان نزدیک و یاران همدل و همراهانی که دیگر هیچ گوشی را شنوای نصایح مشفقانه خود نمی‌یابند، افزون‌تر می‌شود و من راستش هرچه بیشتر می‌گذرد در فایده و صداقت و واقعیت آن حرف‌هایی که قلم در خون آزادی‌خواهان این وطن زده و نوشتم و آن تصاویری که فریم به فریمش را از گوشت و پوست و جان و آرمان‌های مومنانه عزیزترین عزیزان خود ساخته‌ام، مرددتر می‌شوم».

...

اقتصاد رابین‌هودی

وام ۲۵ میلیونی خودرو یکی دیگر از نمودهایی است که به واسطه آن می‌توان سیاست‌های اقتصادی دولت را مورد انتقاد قرار داد. اقتصادی که با منطق طرفداران دولت می‌توان آن را «رابین‌هودی» نامید. تخصیص یارانه‌ها به مردم، اعمال قانون هدفمندی و طرح مسکن مهر از همان آغاز از سوی منتقدان دولت قبل، مورد تخطئه و تخریب قرار می‌گرفت. آن روزها رسانه‌های جناح مقابل دولت، طرح‌هایی مانند مسکن مهر را از اساس غیرکارشناسی عنوان کرده و تخصیص وام برای خانه‌دار شدن مردم را کاری «رابین‌هودی» تلقی می‌کردند. دولت یازدهم اما در سال ۹۴ در عین حال که این طرح و طرح‌های مشابه را مزخرف و غیرکارشناسی خوانده بود، خود با اتخاذ سیاستی مشابه برای تحریک تقاضا در بازار خودرو از همین رویکرد یعنی «اختصاص وام ۲۵ میلیون تومانی» استفاده کرد. قابل تامل آنکه زمانی که همین میزان وام یعنی ۲۵ میلیون تومان، آن هم نه برای خودرو که کالایی هزینه‌ای است، بلکه برای مسکن که قطعا از ضرورت‌های اولیه خانوارهاست و ارزش افزوده دارد، استفاده شد، رسانه‌های جریان مقابل و همین جریانی که امروز در جایگاه اجرا و تصمیم‌گیری قرار گرفته است بشدت به آن تاختند و این رویکرد را «غیرکارشناسی» و برخی دیگر اداره کردن «رابین‌هودی» کشور دانستند. اما وام ۲۵ میلیونی خودرو برخلاف آرای کارشناسان اقتصادی

از گروه‌های مختلف، برای خالی کردن انبارها از خودروی بی‌کیفیت تخصیص داده شد، در حالی که چندی بعد اعطای وام ۳ میلیونی ازدواج به طور رسمی لغو شد! سیب‌زمینی‌ها!

بعد از افشای امحای ۱۷۰۰ تن سیب‌زمینی در کشور انتقادات زیادی به مدیریت کشاورزی شد و اظهارات بسیاری درباره علت رخ دادن چنین اتفاقی مطرح شد اما هیچ‌کدام نه تنها به شفافیت موضوع کمک نکرد بلکه پیچیدگی مساله را بیشتر کرد. برخی توجیه‌کنندگان امحای سیب‌زمینی‌ها، در ابتدا تنظیم بازار و جلوگیری از کاهش بیشتر قیمت سیب‌زمینی و زیان کشاورزان را علت اصلی امحای این محصول می‌دانستند اما منتقدان اعتقاد داشتند، سیب‌زمینی‌های امحای شده حداقل می‌توانست به دست نیازمندان برسد و با مدیریت خوب می‌شد جلوی دفن و اسراف محصول را گرفت. مسؤولان از یک طرف اعلام می‌کردند سیب‌زمینی دفن شده فاسد بوده و قابلیت مصرف نداشته است و از طرف دیگر ۳۲۰ تن از همین محصول را به کمیته امدادی‌ها به شرط مصرف دادند! اینجا بود که این سوال مطرح می‌شد که اگر فاسد بوده، چرا به صورت رایگان بین برخی نیازمندان توزیع شده و اگر قابل مصرف بوده و بعدا فاسد شده، چرا دولت سازوکاری در نظر نگرفته که سیب‌زمینی‌های بهاره که حساس‌تر از سیب‌زمینی‌های پاییزه هستند، فاسد نشوند؟ داستان سیب‌زمینی و دفن شدن این محصول نشان داد از

این دست اتفاقات در حوزه کشاورزی مسبوق به سابقه بوده و سایر محصولات کشاورزی هم کم و بیش محکوم به دفن و امحای می‌شوند.

نفسم گرفت از این شهر!

آلودگی هوا قصه پرتکرار اواخر پاییز و تمام زمستان سال ۹۴ بود. در سالگرد بحران ریزگردها، آلودگی هوا با رکورد زدن وضعیت قرمز، هفته‌های متوالی میهمان کلانشهرها بود. وضعیت آموزش کلانشهرها مختل بود و تعطیلی‌های معدود در برخی مقاطع نیز با اکراه اعلام می‌شد. در همین مقطع، رئیس شورای شهر از افزایش مرگ‌ومیر به واسطه آلودگی هوا خبر داد. شهرداری تهران از عدم رسیدگی دستگاه اجرایی به سیستم حمل‌ونقل و ناوگان عمومی گله دارد و بارها اعلام کرده است بودجه مترو تخصیص پیدا نمی‌کند و دولت در این زمینه همکاری نمی‌کند. علاوه بر اینها وام ۲۵ میلیونی خودرو قرار است در روزها و ماه‌های آتی ۱۰۰ هزار خودروی سواری دیگر را به خیابان‌ها بریزد. طبیعی بود سازمان محیط‌زیست، به عنوان یکی از مراجع مربوط، مورد سوال افکار عمومی و رسانه‌ها قرار بگیرد اما پاسخگویی در کار نبود و تدبیر، تنها به ریزش باران و وزش باد امید داشت و ابتکار که نشان داده بود شرکت در مجامع سیاسی را به حضور در نشست‌های تخصصی و تلاش برای حل مشکل آلودگی ارجحیت می‌دهد، اطلاع‌رسانی‌های رسانه‌ها پیرامون آلودگی هوا را سیاسی می‌خواند!

پاریس، بیروت و فقد روحیه خودباورانه

واکنش رئیس‌جمهور به حوادث پاریس در حالی که حوادث مشابه در بیروت را محکوم نکرده و به مردم لبنان تسلیت نگفته بود، بسیاری را متعجب کرد. داریوش سجادی، فعال سیاسی اصطلاح‌طلب در یادداشتی با عنوان «ببخشید که مُرد!» در صفحه شخصی اینستاگرامش در تحلیل این رفتار روحانی نوشت: حمله تروریستی در پاریس ۴۸ ساعت بعد از حمله مشابه وحوش داعش در لبنان در کنار واکنش معنادار رئیس‌جمهور روحانی به این ۲ حادثه یادآور آن لطیفه تلخی است که: «یک روز جورج بوش و اوپاما نشسته بودن و باهم صحبت می‌کردن که یکی از دوستانش وارد می‌شه و می‌پرسه: درباره چی دارین صحبت می‌کنین؟ جورج بوش می‌گه: داریم نقشه می‌کشیم که جنگ سوم جهانی رو راه بیندازیم. دوستشون می‌پرسه: خوب که چی بشه؟ بوش می‌گه: که یک میلیارد مسلمان و آنجلینا جولی رو بکشیم! دوستشون با تعجب می‌پرسه: آنجلینا جولی؟! اون رو دیگه برای چی می‌خواین بکشین؟ جورج بوش هم رو می‌کنه به اوپاما و می‌گه: دیدی گفتیم؟ ملت بیشتر نگران آنجلینا جولی هستن تا اون یک میلیارد مسلمان!»

امیدواریم دولت محترم، با بررسی دقیق عملکرد یکساله خود و نقاط ضعف آن، سال ۹۵ را سالی پرافتخار و عزتمند و آنچنان که شایسته ملت ایران است، رقم بزند.



مهدی نظام دوست

هنری به رنگ انقلاب

«به مناسبت روز هنر انقلاب اسلامی»

خیلی زود تاثیرگذاری خود بر جامعه را به اثبات برساند؛ طوری که در اوایل دهه ۶۰ شاهد رشد و شکوفایی نهال سینمای ایران بودیم. امام خمینی(ره) در ۱۲ بهمن ۵۷ در بهشت زهرا(س) فرمودند: «ما با سینما مخالف نیستیم، ما با فحشا مخالفیم». با جملات ایشان در آن روز اساس کار سینمای انقلاب بنا نهاده شد، سینمایی که با ابتدال و موضوعات مخرب افکار و فرهنگ مردم و جامعه، مخالف بود.

امروزه سینمای ایران باید در خور «انقلاب اسلامی» باشد. سینمایی که راوی ارزش های انسانی است. راوی استقامت و صلابت در برابر زور گویان جهانی است. سینماگران ما امروزه باید با فیلم هایشان این هنرها، ارزش ها و اهداف پویای انقلاب را نه تنها در ایران زنده نگه داشته بلکه بتوانند به جهانیان نیز نمایش دهند.

بهترین حسن ختام این مطلب را میتوان مواعظ و رهنمودهای مقام معظم رهبری در ارتباط با فرهنگ دانست:

بنده به عنوان یک روحانی، حقیقتاً از شما مجموعه کارگردانها انتظار دارم. شما باید ارزش های دینی و ملی را تقویت کنید. وقتی ارزش ملی میگوئیم، نباید فوراً ذهن به سمت چهارشنبه سوری برود. ارزش ملی یعنی احساس استقلال یک ملت، استقلال فرهنگی در مقابل این القای دویست ساله فرهنگی غرب. یک ملتی بیاید به فرهنگ خودش تکیه بکند، این خیلی ارزش دارد این را تقویت کنید. «بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از کارگردانهای سینما و تلویزیون ۸۵/۰۳/۲۳»

«هنرهای تجسمی» یکی از دلایل رشد و پیشرفت هنرهای تجسمی بعد از انقلاب، اخلاق مدارانه شدن این هنر است. هنرمندان هنر تجسمی وقتی خود را در برابر یک تحول اجتماعی دیدند بر آن شدند که موضوع کارهای خود را از مردم و از جامعه انتخاب کنند. قبل از انقلاب هنرهای تجسمی به قشر خاصی محدود میشد ولی بعد از آن، هنرمندان جوانی با توجه به دغدغه های خود به میدان آمدند و سبب آشتی دوباره مردم با اینگونه هنرها شدند. شهید سید مرتضی آوینی، درباره ظهور جریان نقاشان انقلابی در سالهای پس از انقلاب نوشته بود: در جنگ نیز تنها همینانند که همپای رزم آوران حضور داشته اند و از غیر ایشان نیز توقعی نیست چرا که هنر سفارشی عین بی هنری ست.

می توان یکی از رشته های هنر تجسمی را که پیشرفت چشمگیری پس از انقلاب داشت، طراحی و کاریکاتور دانست. کاریکاتوریستهای با استعداد و انقلابی که حرف دل مردم و بعضی از واقعیات جامعه را به صورتی طنز آلود و گاه تلخ به تصویر می کشند.

«سینما»

سینمای قبل از انقلاب را می توان سینمایی سخیف و مبتذل دانست که جز عشق و عاشقی های بدون قاعده و خیانت های خانوادگی و... هیچ ارزش و جایگاهی نداشت ولی به برکت انقلاب اسلامی این هنر، جایگاه اصلی خود را بازیافت و توانست با فیلم هایی که موضوعاتش از فکر و دل مردم بود

در هنر و فرهنگ جامعه داشته باشند.

«ادبیات داستانی»

هرچه تحولات سیاسی و اجتماعی انقلاب، عمیق باشد موجب دگرگونیهای ژرفتری در ادبیات آن کشور می شود. ادبیات داستانی انقلاب اسلامی، ادبیاتیست از مردم و برای مردم و برای بیان مسائل آنان. حوادث و اتفاقات دوران قیام مردم بر ضد رژیم پهلوی سوژه های خوبی بود برای نویسندگانی که خود در بطن این حوادث بودند. در ده ساله ابتدای انقلاب، رمانها و مجموعه داستانهای متعددی منتشر شد که نشان دهنده ی رشد کمی و کیفی ادبیات داستانی در آن زمان بود.

جلال آل احمد را می توان از اولین نویسندگان ادبیات انقلاب دانست که کتابهای داستانی و غیر داستانی او همچون «خسی در میقات» و «غریزدگی» کلید انقلاب ادبی اسلامی و ملی را زد و همچنین الگویی برای نویسندگان جوان آن دوره شد.

با آغاز جنگ تحمیلی عراق نیز ادبیات داستانی دفاع مقدس پدید آمد. ادبیاتی که امروزه به تنهایی ادبیات انقلاب اسلامی را زنده نگه داشته است و خوشبختانه هر سال نیز شاهد انتشار رمانها و مجموعه داستانهای پرمحتوایی از دلاورمردی های رزمندگان اسلام هستیم. کتابهایی همچون دا، پای که جا ماند، نورالدین پسر ایران و لشکر خوبان نمونه هایی از کتابهای موفق دفاع مقدس هستند که با استقبال خوب مردم مواجه شدند.

هنر و فرهنگ ایران بعد از دوره صفویه کم کم به سمت غربزدگی متاثر از روشنفکران مصنوعی جامعه سوق داده شد و در حکومت پهلوی نیز این هنر غربگرایانه به اوج خود رسید. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی؛ هنر و فرهنگی پا به عرصه گذاشت که نشأت گرفته از حال و روز آن دوران مردم بود. هنری که با مبانی هنر کهن ایرانی-اسلامی و منطبق با اصول نوین هنر معاصر کار خود را شروع کرد.

اما امروزه موج غربگرایی که بخشی توسط ملی گراها و بخشی هم توسط افراد به اصطلاح روشنفکر ریشه دوانده در حال زورآزمایی با هنر انقلاب است. مانند هر انقلابی نظیر روسیه و فرانسه که هنر و فرهنگش را با خود می آورد انقلاب ایران نیز هنر انقلاب اسلامی را که متاثر از مقاومت آن روز ها بود بوجود آورد.

«شعر»

مهم ترین تاثیر انقلاب بر شعر، تحول معنایی آن است. پرداختن به مفاهیم شهادت و ایثار، مبارزه با طاغوت و همدردی با مستضعفان جهان نمونه هایی از مضامین شعرهای بعد از انقلاب است. توجه به جنگ که مهم ترین رویداد بعد از انقلاب بود یکی دیگر از موضوعات اصلی شاعران ما بوده است، شاعرانی که خودشان حس و حال دفاع مقدس را درک کرده و توانستند با اشعار خود این حس را به آیندگان نیز منتقل کنند. اگر به این طیف از هنرمندان جامعه بیشتر بها داده شود و مسئولین بتوانند مشکلات پیش روی آنها را برطرف کنند؛ شاعران میتوانند تاثیر بسزایی

آرمانخواهی انسان مستلزم صبر بر رنج هاست.

پس برادر خوبم، برای جان بازی در راه آرمان ها، یاد بگیر که در این سیاره ی رنج، صبورترین انسان ها باشی.

شهید سید مرتضی آوینی
۱۳۷۲/۰۱/۱۵

زیر نور اورانیوم

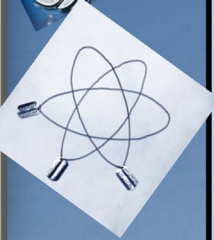
فاطمه صادقی

- در تولید برق یکی از مهم ترین موارد استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای، تولید برق است. با توجه به پایان پذیر بودن منابع فسیلی و روند رو به رشد توسعه اجتماعی و اقتصادی، استفاده از انرژی هسته ای برای تولید برق امری ضروری و لازم است. ایران هر ساله حدودا به هفت هزار مگاوات برق در سال نیاز دارد. نیروگاه اتمی بوشهر 1000 مگاوات برق را در صورت راه اندازی تامین می نماید. برای تولید برق مورد نیاز کشور، سالانه حدود ۱۹۰ میلیون بشکه نفت خام مصرف می شود! که در صورت تامین از طریق انرژی هسته ای سالیانه ۵ میلیارد دلار صرفه جویی خواهد شد.
- در پزشکی هسته ای و امور بهداشتی: در کشورهای پیشرفته صنعتی، از انرژی هسته ای به صورت گسترده در پزشکی استفاده می گردد. با توجه به شیوع برخی از بیماری ها از جمله سرطان، ضرورت تقویت طب هسته ای در کشورهای در حال توسعه، هر روز بیشتر می شود. موارد زیر از مصادیق تکنیک های هسته ای در علم پزشکی است:
 - تهیه و تولید کیت های رادیو دارویی جهت مراکز پزشکی هسته ای
 - تهیه و تولید رادیو داروها جهت تشخیص بیماری تیروئید و درمان آنها
 - تهیه و تولید کیت های هورمونی
 - تشخیص و درمان برخی تومورهای سرطانی و بررسی تومور های مغزی، سینه و ناراحتی وریدی
 - تصویر برداری بیماری های قلبی، تشخیص عفونت ها و التهاب مفصلی، آمبولی و لخته های
- وریدی تشخیص کم خونی، کنترل رادیو داروهای خوراکی و تزریقی و ...
- در دامپزشکی و دامپرووری: موارد مصرفی چون تشخیص و درمان بیماری های دامی، تولید مثل دام، اصلاح نژاد، تغذیه، بهداشت و ایمن سازی محصولات دامی و خوراک دام.
- در دسترسی به منابع آب: شناسایی حوزه های آب زیر زمینی، هدایت آب های سطحی و زیر زمینی، کشف و کنترل نشت و ایمنی سدها و شیرین کردن آب های شور [بله! برجام که نتونست ولی ظاهرا انرژی هسته ای میتونست مشکل آب خوردن مردم رو حل کنه!]
- در صنایع غذایی و کشاورزی: برخی موارد عمده استفاده در این بخش: جلوگیری از جوانه زدن محصولات غذایی- کنترل و از بین بردن حشرات- به تاخیر انداختن زمان رسیدن محصولات- افزایش زمان نگهداری- کاهش میزان آلودگی میکروبی- از بین بردن ویروس های گیاهی و غذایی- طرح باردهی و جهش گیاهانی چون گندم و برنج و پنبه
- * برتری انرژی هسته ای بر سایر انرژی ها: منابع فسیلی محدود بوده و متعلق به نسل های آتی نیز می باشد! استفاده از نفت خام در صنایع تبدیل پتروشیمی ارزش بیشتری دارد! تولید ۷۰۰۰ مگاوات برق با مصرف ۱۹۰ میلیون بشکه نفت خام، ۱۰۰۰ تن دی اکسید کربن، ۱۵۰ تن ذرات معلق در هوا، ۱۳۰ تن گوگرد و ۵۰ تن اکسید نیتروژن!! را در محیط زیست پراکنده می کند درحالی که نیروگاه اتمی چنین آلودگی را ندارد.

همان گونه که خون شهدای گرانقدر هشت سال دفاع مقدس ضامن رشد و بالندگی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران شد، خون عزیزان عرصه انرژی هسته ای نیز ضامن دستیابی هر چه سریعتر فرزندان این سرزمین به قله های پیشرفت در تمامی عرصه های مختلف علم و فناوری خواهد بود.

تقدیم به شهدای هسته ای

تشیست
من در سما



۲۰ فروردین
روز ملی فناوری هسته ای

